

حادثه

بازداشت کارمند قلابی بانک مرکزی ایران در ایتالیا

● سخنگوی ناجا از دستگیری زنی که با معرفی خود به‌عنوان کارمند بانک مرکزی ۲۷۰ میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بود، در کشور ایتالیا خبر داد. سردار سعید منتظرالمهدی دراین‌باره گفت: از مدتی قبل شکایت‌هایی مبنی بر کلاهبرداری زنی که خود را کارمند بانک مرکزی و از افراد بانفوذ در این بانک معرفی کرده بود، به دست پلیس رسید.

وی با بیان اینکه تحقیقات پلیسی برای شناسایی و دستگیری این زن از سوی تیمی از کارآگاهان پلیس آغاز شد، افزود: در تحقیقات اولیه، مأموران متوجه شدند که این زن با معرفی خود به‌عنوان کارمند بانک مرکزی و فردی که دارای نفوذ در این بانک است به برخی از افراد وعده‌های واهی داده و با همین وعده‌ها چندین میلیارد تومان کلاهبرداری کرده است. سخنگوی نیروی انتظامی با اشاره به تحقیقات تکمیلی، افزود: در تحقیقات تکمیلی مأموران مشخص شد این زن خارج از کشور به سر می‌برد و در این مدت به چندین کشور مختلف تردد داشته است که سرانجام در کشور ایتالیا شناسایی شد.

منتظرالمهدی با اشاره به همکاری مشترک میان پلیس ایران و پلیس بین‌الملل، خاطرنشان کرد: پس از صدور اعلان قرمز برای این زن سرانجام چند روز پیش وی در کشور ایتالیا دستگیر شد. سخنگوی ناجا با بیان اینکه نامبرده بیش از ۲۷۰ میلیارد ریال با عنوان کارمند بانک مرکزی از شهروندان کلاهبرداری کرده بود، اظهار کرد: وی هم‌اکنون در کشور ایتالیا به سر می‌برد و اقدام لازم برای بازگرداندن وی به کشور در حال انجام است. البته استرداد متهمان شرایط خاصی دارد که اینترپل ایران در حال پیگیری آن است.

وی درباره اینکه آیا این زن ارتباطی با بانک مرکزی داشته یا خیر نیز گفت: این زن هیچ ارتباطی با بانک مرکزی نداشته و حتی با واسطه نیز به کارمندان آن مرتبط نبوده تنها این ادعا را برای کلاهبرداری مطرح کرده بود. منتظرالمهدی با اشاره به این پرونده به شهروندان هشدار داد که برای انجام امور خود از مبادی قانونی استفاده کرده و به هیچ عنوان به افرادی اعتماد نکنند که خود را نماینده سازمان‌های دولتی یا کارمندان وابسته به آن معرفی می‌کنند.

شرق؛ راز جنایت پیچیده در مرکز خریدوفروش مواد مخدر با تحقیقات گسترده پلیسی فاش و مردی افغان بعد از مدت‌ها قرار به اتهام این قتل بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد. به گزارش خبرنگار ما، کشف پیکر یک زن و مرد در خانه‌ای سه طبقه، در خیابان کارون ساعت ۱۸ روز پنجم مهر سال گذشته از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به کلانتری نواب اعلام و با حضور مأموران کلانتری و تیم اورژانس در محل مشخص شد فردی به‌نام «کمال» (۴۵ساله) بر اثر اصابت ضربات جسم سخت به ناحیه پشت‌سر به قتل رسیده و جسدش توسط همسایه طبقه دوم در پلکان طبقه اول کشف شده است. هم‌زمان پیکر نیمه‌جان متعلق به زنی ۴۲ساله نیز به‌نام «مریم» در خانه طبقه اول این ساختمان کشف شد که او نیز مانند مقتول از پشت‌سر مورد اصابت ضربات جسم سخت قرار گرفته اما همچنان زنده مانده بود. هم‌زمان با آغاز رسیدگی به پرونده قتل کمال، «مریم» نیز در شرایطی که در حالت بیهوشی به سر می‌برد، به بیمارستان منتقل شد و تحت اقدامات درمانی قرار گرفت. با انجام اقدامات درمانی، مریم از مرگ نجات پیدا کرد و پس از چند روز به هوش آمد. وی در اظهاراتش بیان کرد حافظه‌اش را از دست داده و هیچ خاطره‌ای از زمان وقوع جنایت ندارد. کارآگاهان ویژه مبارزه با قتل پلیس آگاهی با مراجعه به محل وقوع جنایت، به تحقیق از اهالی ساختمان پرداختند و اطلاع پیدا کردند مقتول و مریم ضمن معرفی خود به‌عنوان زن‌وشوهر، طبقه اول این ساختمان را با عنوان دفتر کاربایی اجاره کرده بودند. هم‌زمان، فردی با مراجعه به کلانتری نواب اعلام کرد همسرش به‌نام «مریم» چند روز پیش از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته است. بلافاصله همسر وی در بیمارستان مورد شناسایی قرار گرفت. با توجه به پیچیدهدن پرونده و احراز دروغ‌بودن ادعای زن‌وشوهری مریم و مقتول، کارآگاهان برای پیداکردن مدارک و شواهد جدید، به محل وقوع جنایت رفتند و در بازرسی دقیق از آنجا موفق به کشف دفتر‌چای شدند که در آن مشخصات افراد به‌همراه مبلغ دریافتی و پرداختی به آنها ثبت شده بود. در شرایطی که مریم در همه مراحل رسیدگی به پرونده با طرح ادعای فراموشی سعی در پوشاندن واقعیت داشت، وی با هماهنگی

شرق؛ اعضای باند بزرگ کیف‌قاپی که با گوشی‌های مسروقه تلفن همراه قمار بازی می‌کردند، دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار ما، زنی جوان چندی قبل با مراجعه به کلانتری فلسطین، به مأموران اعلام کرد کیف‌دستی‌اش حاوی گوشی تلفن همراه، وجه نقد و... مورد سرقت قرار گرفته است. شاکي پس از حضور در پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ، در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «در خیابان بهار شیراز به صورت پیاده در حال تردد بودم که یک موتورسیکلت با راکب و ترک‌نشین اقدام به قاپیدن کیفم حاوی مدارک شناسایی، عابرانک به‌همراه رمز، دو دستگاه گوشی تلفن همراه کرد و از محل متواری شد. با توجه به گران‌بودن هر دو دستگاه گوشی تلفن همراه، به

حوادث

رازکشایی از جنایت پیچیده در مرکز خریدوفروش مواد مخدر



مقام قضائی و پس از پایان اقدامات درمانی برای انجام تحقیقات در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. مریم پس از گذشت پنج ماه، سرانجام لب به اعتراف کشود و بیان کرد همراه مقتول در پوشش «دفتر کاربایی» محلی را برای فروش مواد به فروشندگان مواد مخدر اجاره کرده بودند و در مدت فعالیتشان نیز خریداران مواد مخدر با عنوان کاربایی به محل مراجعه می‌کردند. اعتراف به تشکیل دفتر کاربایی برای فروش مواد مخدر، در حالی بود که بنا بر اظهارات همسرش، وی به‌دروغ مدعی پیداکردن شغلی با عنوان پرستار سالمندان برای خود شده بود و هر روز به این بهانه از خانه خارج می‌شد. کارآگاهان با اعتراف مریم به فعالیت در امر خریدوفروش مواد مخدر و بررسی اطلاعات به دست آمده از دفترچه حساب خریداران مواد مخدر، موفق به شناسایی و دستگیری تعدادی از توزیع‌کنندگان مواد مخدر شدند و پس از تکمیل تحقیقات درباره پرونده قتل خیابان کارون و نداشتن ارتباط با پرونده جنایت، همه آنها در اختیار پلیس مبارزه با مواد مخدر قرار گرفتند. در ادامه تحقیقات، کارآگاهان موفق به شناسایی جوانی افغان به‌عنوان یکی از فروشندگان مواد مخدر به مقتول و مریم شدند که هم‌زمان با وقوع

قماربازی با گوشی‌های مسروقه تلفن همراه

سارقان خشن و حرفه‌ای شامل هشت مرد و سه زن را دستگیر و در بازرسی از مخفیگاه آنها، علاوه بر کشف تعداد زیادی انواع گوشی‌های تلفن همراه مسروقه ازجمله دو دستگاه گوشی تلفن همراه متعلق به شاکي پرونده، چندین دستگاه تبلت، مدارک هویتی متعلق به سایر افراد، کیف مردانه، کیف زنانه و... پیدا کردند. اعضای این گروه به ده‌ها فقره کیف‌قاپی و سرقت گوشی تلفن همراه در مناطق مختلف شهر تهران به شیوه یک‌موتوره یا دوموتوره اعتراف کردند. در تحقیق از سه متهم زن این پرونده نیز مشخص شد در صورت سرقت عابرانک‌های حاوی رمز، سرکرده گروه کارت‌های مسروقه را در اختیار این سه نفر قرار می‌داد و آنها نیز با مراجعه به طلافروشی‌های سطح

شهر تهران اقدام به خرید طلا و سکه می‌کردند که با انجام تحقیقات چندین مغازه طلافروشی و صرافی شناسایی و تصاویر به‌دست‌آمده از این سه متهم زن در اختیار کارآگاهان قرار گرفت. سرهنگ کارآگاه محمد نادریکبی، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: «همه اعضای این گروه از مجرمان سابقه‌دار و بعضاً متواری و تحت تعقیب پلیس آگاهی تهران بزرگ به‌ویژه اداره مبارزه با کیف‌قاپی هستند که در یک سال گذشته اقدام به ده‌ها فقره کیف‌قاپی و سرقت گوشی‌های تلفن همراه کرده‌اند. بنا بر اعترافات به دست‌آمده، این گروه از گوشی‌های تلفن همراه مسروقه برای خرید مواد مخدر یا شرط‌بندی و انجام قمار استفاده کرده‌اند.



دکتر محمود اکبری رتبه ۱ دکتری تخصصی، تازه به‌یادمی‌آد، این‌ه مدرس دانشگاه

دکتر محمود اکبری هستم. مدرس دانشگاه. رتبه‌ی یک‌کنکور دکتری تخصصی.

وقتی به دوران می‌کنم تنها چیزی که به یادمی‌آد، این‌ه که استرس کنکور داشتم. درس می‌خوندم. درس می‌خوندم و درس می‌خوندم!! اما متأسفانه با وجود تلاش‌های بسیار نتیجه‌ی قابل قبولی در آزمون‌های آزمایشی دریافت نمی‌کردم. دائماً ساعت مطالعه‌ی خودم رو بالا می‌برد ولی باز هم نتیجه‌ی برابم قابل قبول نبود. از وقتی که به‌صورت تخصصی وارد بحث کنکور و مشاوره شدم، تازه فهمیدم مشکل کارم کجا بود. «نداشتن منابع خوب کنکوری»، «نداشتن دبیر مجرب»، «عدم وجود فضای کنکوری مناسب در مدرسه»، «عدم برنامه‌ریزی اصولی و... باعث می‌شد نتوانم نتیجه‌ی قابل قبولی بگیرم.

خب به هر حال توی همین شرایطی نتیجه خوب گرفتم، سخت بود. خیلی زحمت می‌کشیدم، خیلی تست می‌زدم، پدر و مادرم واقعاً باهام همکاری می‌کردند، اما همه‌ی این تلاش‌ها اصولی و تخصصی نبود.

بالاخره روز کنکور فرا رسید و با کلی توکل به خدا رفته سر جلسه. وقتی از جلسه بیرون اومدم مطمئن بودم که هیچی قبول نمی‌شم. واقعاً ناراحت بودم. نمی‌توانم چطور برایتان توصیف کنم...

نتایج کنکور

به هر حال زمان گذشت و نتایج کنکور اومد. من هدفم دانشگاه تهران بود ولی نشد و از مدرسه با فقط یک نفر قبول شد و اون نفر من بودم دوره‌ی لیسانسی رو در دانشگاه پوهلی سینا گذراندم. همیشه خودم رو سرزشت می‌کردم که چرا اینطوری شد. از سال دوم دوره لیسانسی تصمیم گرفتم که توکل به خدا بگیرم و خودم رو برای کنکور ارشد آماده کنم و اینبار کاملاً حرفه‌ای و

ارتباط مستقیم با استاد حسین احمدی: ۱۹۶۵۷۰۲-۹۱۲۱-۶۶۴۰۹۰۰۷-۰۲۱

به نام خداوندی که مهربانترین است

خواستن، توانستن است؛ خواستم و رتبه ۱ شدم...



دکتر هما فرهادی فرد رزیدنت ارتودنسی دانشگاه تهران رتبه ۱ دکتری دانشکده

خواهر خانم سال سوم دبیرستان رو برطرف کنم. دیگه نمی‌خواستم شکست بخورم. باز هم تلاش تلاش و این بار کاملاً حرفه‌ای و مجرب.

مقطع کارشناسی ارشد و دکتری
به لطف خدا رتبه ۱۵ کنکور کارشناسی ارشد رو کسب کردم اما این واسم کافی نبود. از همون ترم اول کارشناسی ارشد به کنکور دکتری تخصصی فکر می‌کردم. از صبح تا شب سالن مطالعه بودم و فقط درس می‌خوندم. ناهار رو هم توی سالن مطالعه می‌خوردم! آنقدر تلاش می‌کردم که باعث تعجب دوستان و آشنایانم بود. خدا رو شکر طی ۲ سال مقطع فوق لیسانس رو تموم کردم و با گفتن لاحول و لاوه‌ای‌بالا... سر جلسه کنکور دکتری تخصصی حاضر شدم.

این بار از تکنیک‌های ۱۲ گام موفقیت در کنکور استفاده کردم و هدفم فقط رتبه ۱ شدن بود! تنها چیزی که می‌تونم بگه اینه که عالی بود! رتبه ۱ کنکور شدم. سریع به بابا، مامانم زنگ زدم و بهشتون خبر دادم. درسته که خیلی زحمت کشیدم و تخصصی درس خوندم ولی واقعاً لطف و کمک خدا بود که نونستم رتبه ۱ بشم.

زکات علم

می‌گن زکات علم در نشر اوست: من هم از همان موقع به خودم قول دادم تا اونجا که می‌توانم داوطلب‌های کنکوری رو کمک کنم و تجربیاتم رو در اختیارشان قرار دهم و باعث قبولی‌شان در کنکور شوم. تا امروز داوطلب‌های زیادی داشتم. خیلی‌هاشون به لطف خدا رتبه برتر شدن و به آرزوشون یعنی دندانپزشکی داروسازی، پزشکی، برق، مکانیک، حقوق، روانشناسی و... رسیدند. دانشجوی دکتری بودم که ازدواج کردم. اون موقع همسرم سال ۵ دندانپزشکی بود. به لطف خدا، با سختکوشی‌ها و تلاش‌های وصف‌ناپذیر همسرم و مشاوره‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که من واسش انجام می‌دادم، همسرم تونست در کنکور تخصصی دندانپزشکی بدرخشد و در رشته ارتودنسی دندانپزشکی دانشگاه تهران (پرمتقاضی ترین رشته‌ی تخصصی دندانپزشکی) پذیرفته بشه.

وقتی که من و همسرم ازدواج کردیم،

جهت دریافت ۱۲ گام

رتبه برتر کنکور شدن و مشاوره و برنامه‌ریزی با اینتاج و استاد حسین احمدی با شماره ی ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس بگیرید
و برای دریافت لوح‌های فشرده شیمی اینتاج با شماره تلفن ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ تماس بگیرید

تنها کسی که توانست مرابا معدل ۱،۵، دانشجوی دکترای پزشکی روزانه سراسری دانشگاه تهران و هم‌کلاس رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ کنکور نماید، استاد حسین احمدی بود



دوران راهنمایی سیری شد و وارد دبیرستان شدم؛ سال اول دبیرستان رو هم پشت سر گذاشتم و برای انتخاب رشته، رشته تجربی را انتخاب کردم بعد از اینکه رشته تجربی را انتخاب کردم همه‌ی شب‌های تابستون وقتی شب می‌خواستم بخوابم به این رشته فکر می‌کردم و ترس از شکست مجدد فکر تغییر رشته را هر شب تو ذهن می‌آورد. بالاخره دوم و سوم دبیرستان گذشت. سال سوم وقتی معدل کتبی دیپلم رو دیدم شکست دوم را خوردم و باز هم هدفم برام کمترنگتر شد رسیدم به تابستون سال چهارم دبیرستان که با خودم بعد از امتحانات نهایی فکر کردم که دیگه واقعاً باید یک فکر اساسی برای درس خوندم بکنم اما متأسفانه نتونستم حتی به دونه از کارهایی را که می‌خواستم، انجام بدم. سال تحصیلی چهارم فرا رسید سه ماه از سال تحصیلی هم گذشته بود و اون موقع بود که فهمیدم حرفایی که بقیه می‌زنن یعنی معلم‌ها و هم‌کلاسی‌هام شاید درست باشه که می‌گن تو چه جوری می‌خوای جراح مغز و اعصاب بشی تو نهایت شانس بیاری برستاری دانشگاه ازاد قبول می‌شی!! چون من همیشه سر کلاسی‌ها می‌گفتم من جراح مغز و اعصابم. به شب وقتی از کلاس خصوصی خسته برمی‌گشتم تو تاکسی با راننده تاکسی صحبت کردم و به راننده تاکسی وضعیتمو گفتم و راننده گفت با این‌که من به رشته‌ای از درس خوندن ندارم اما به برنامه رادیویی هست خیلی جالبه گوش بده در مورد کنکور حتماً کمک می‌کنه.

من همون فکر فکر کردم این حرفا حتماً به نشونه‌ای برای تغییر زندگیمه.

رسیدم خونه و رادیو رو روشن کردم و اولین جمله‌ای که شنیدم این بود کنکور آسان است!! واقعاً کنکور آسان است؟! همه که می‌گن کنکور مثل یه سد که باید ازش بگذریم خیلی سخته و مشکل و...

یه علامت سؤال بزرگ تو ذهنم شکل گرفت چه جوری ممکنه کنکور آسان باشه؟! شماره مستقیم استاد اعلام شد بعد از چند بار تلاش تونستم با استاد صحبت کنم و وضعیت خودمو گفتم استاد گفت

ابوالفضل می‌خوای رتبه چند بشی گفتم رتبه مهم نیست، پزشکی قبول شوم. گفت ابوالفضل بگو می‌خوام هم‌کلاس رتبه‌ی یک کنکور بشم. گفتم استاد مگه میشه؟! گفت بگو و...

درسه خودباوری بود که استاد به من داده بود و در تیرجیه ادبیات، دینی عربی که خود استاد احمدی

تدریس می‌کنند به اوج تست‌زنی رسیدیم.

بالاخره با برنامه‌ریزی‌های استاد من تو کنکور هم تونستم عملکرد مناسبی داشته باشم من می‌خواستم پزشکی قبول شوم، هر جا که باشه، سراسری، ازاد یا حتی بین‌الملل. اما به لطف خداوند و برنامه‌ریزی استاد حسین احمدی و لوح‌های فشرده ایشان، دانشجوی دکتری پزشکی روزانه سراسری دانشگاه تهران شدم و هم‌کلاس رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ کنکور شدم الان هم که دانشجوی هستم از راهنمایی‌های استاد حسین احمدی استفاده می‌کنم.

ان‌شاءا.. جراح مغز و اعصاب خوبی بشم در آینده و بتوانم به مردم و کنورم خدمت کنم.

ارتباط با استاد احمدی

ارتباط با استاد احمدی

ارتباط تلفنی و پیامکی ۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶-۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۰۷-۰۲۱

کیلنا: گروه یادیار سازان لوح‌های فشرده نشر احمدی

رخداد

درگیری در گورستانی در مسکو ۲ کشته برجاذشت

● در جریان یک درگیری جمعی در گورستانی در مسکو دست کم دو نفر کشته شدند. خبرگزاری‌های روسیه اعلام کردند که تا ۲۰۰ نفر در این نزاع در بزرگ‌ترین گورستان «خاونسکایه» در جنوب غرب مسکو شرکت داشتند. وزارت کشور روسیه از بازداشت بیش از ۵۰ نفر در این ارتباط خبر داده است. در جریان این حادثه صدای تیراندازی شنیده شده اما مشخص نیست درگیری میان چه کسانی روی داده است. برخی گزارش‌ها حاکی است که یکی از کشته‌شدگان مأمور پلیس بوده اما پلیس این خبر را تأیید یا رد نکرده است. «سوفیا خوتینا»، سخنگوی پلیس گفته است به باور پلیس، کارگرانی از قومیت‌های مختلف بر سر کنترل بخش‌های گورستان با هم اختلاف داشتند. رسانه‌های روسیه گزارش داده‌اند گروه‌های قومی از گورستان با هم در رقابت بودند. براساس گزارش‌ها پلیس برای فرونشاندن خشونت‌ها به تیراندازی هوابی متوسل شده است.

دزدی در دوران تبعید

● باند سارقان طلای خانه‌ها در شهرستان گناوه منهدم شد و سه متهم شناسایی و دستگیر شدند. سردار حیدر عباس‌زاده، فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: در پی وقوع چندین فقره سرقت طلا از منازل در شهر گناوه اکیب ویژه‌ای از پلیس آگاهی شهرستان بررسی موضوع را در دستور کار قرار داد. وی اضافه کرد: پس از جمع‌آوری مدارک و مستندات لازم فردی به هویت «ر. الف»، اهل شهر قم، در گناوه شناسایی و دستگیر شد. به گفته رئیس پلیس استان بوشهر این متهم در مواجهه با مدارک و مستندات پلیس ضمن اعتراف به بزه انتسابی گفت: برای گذراندن دوره مجازات دو سال قبل به استان بوشهر شهرستان گناوه تبعید شدم و در کمرب گناوه مشغول کارگری بودم. در روزهای تعطیلی کمرب با همدستی دو نفر دیگر دست به سرقت می‌زدیم. وی خاطرنشان کرد همدستان این فرد به هویت «م. الس» و «س. الف»، اهل یکی از استان‌های هم‌جوار نیز شناسایی و دستگیر شدند. به گفته فرمانده انتظامی استان بوشهر متهمان دستگیرشده تاکنون به ۱۰ فقره سرقت منزل، یک فقره سرقت اماکن دولتی و دو فقره سرقت دیگر اعتراف کرده‌اند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.